

زبان اقوام و ملت‌های جهان، هم به ذخیره اصلی لغوی و هم به ساختار گرامری این زبانها استناد نموده و برای تعیین تعلق یک زبان به یکی از گروه‌های زبانی، این دو وجه زبان مورد نظر را با گروه‌های زبانی مقایسه می‌نمایند.

دانشمندان زبان‌شناس بخش بزرگی از زبانهای موجود در جهان را از نظر اشتقاق و ساختار دستوری آنها، به سه گروه تقسیم می‌کنند:

۱- گروه زبانهای هند و اروپایی ۲- گروه زبانهای سامی ۳- گروه زبانهای التصاقی.
ما در زیر بر اساس نمونه‌های تقریباً محدودی که در دست داریم ابتدا معانی واژگان و ذخیره اصلی لغوی زبان سومری و سپس ساختار دستوری این زبان را با سه گروه زبانی اخیرالذکر مقایسه خواهیم نمود. در مقایسه لغات اصلی ما اساساً واژگان این زبانها را با واژگان زبانهای معاصر ترکی، و بطور مشخص ترکی آذری مقایسه کرده و با افزودن نتایج پژوهشهای دانشمندان معاصر ترک به نتایج بررسی‌های دانشمندان اروپایی بوضوح هم‌ریشه بودن زبان سومری با زبانهای ترکی را نشان خواهیم داد.

بجاست این نکته را نیز متذکر شویم که همراه با روند تکامل و تحولات تاریخی در هر ملتی، زبان او نیز از نظر ساختمان صوتی، صرف، نحو و ترکیب لغوی به تدریج دستخوش دگرگونی می‌شود. این قانون زبان است از اینرو نیز امروزه تاریخ و زبان یک ملت را در ارتباطی متقابل با یکدیگر و نه به صورت عناصری مجرد و مجزاً از هم مورد بررسی قرار می‌دهند. این نکته نیز شایان ذکر است که زبانهای ترکی به سبب ویژگی التصاقی بودن خود دیرتر از گروه زبانهای هند و اروپایی و سامی متحول می‌شوند. بویژه ذخیره اصلی لغوی این زبانها در طول هزاران سال دستخوش تغییراتی بس اندک می‌گردد.

مثلاً با مقایسه زبان فارسی دوره ساسانی با فارسی معاصر از یکسو، و زبان کتاب دده قورقود - که متعلق به ۹۰۰ سال پیش است - با زبان ترکی آذری معاصر از سوی دیگر این واقعیت را به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

برای اینکه تا اندازه‌ای ارتباط و قرابت لغوی زبان سومری را با گروه زبانهای ترکی نشان داده باشیم، ابتدا اشاره‌ای می‌کنیم به نظریات سومرشناس مشهور آلمانی فریتز هومل^(۱) (۱۸۵۴-۱۹۳۶ م).

پیش از هومل، دانشمند دیگری به نام ژ. اوپر (۱۸۲۵-۱۹۰۵ م) نظریه قرابت زبان سومری با زبانهای اورال - آلتائیک را مطرح نموده بود. پس از او ف. هومل پیش‌تر رفته و اقوام سومری و

آلتایی را یکی دانست. هومل در پنجاه سالگی یعنی دوران شکوفایی تحقیقات علمی خود ۳۵۰ واژه سومری را از نظرگاه معنی و ساختمان صوتی با واژگان متقابل ترکی مقایسه و توضیح داده، ثابت نموده است که این دو زبان علی‌رغم وجود فاصله زمانی نسبتاً طولانی میان آنها، هم ریشه بوده و با یکدیگر مربوط می‌باشند. وی با استنتاج علمی از بررسیهای خویش چنین نوشته است:

«شاخه‌ای از اجداد باستانی اقوام ترک در حدود سالهای ۵۰۰۰ ق.م از وطن خود واقع در آسیای مرکزی حرکت کرده به آسیای مقدم آمده، سومریها را پدید آورده‌اند. آثار بازمانده از زبان سومری نشان می‌دهند که زبان ترکی در آن اعصار چگونه بوده است»^(۱).

نظریه هومل، بخصوص از نظر علم زبانشناسی بسیار مهم و جالب توجه است. البته خواهیم دید که تحقیقات هومل ناقص و ناکافی بود. لیکن اظهار نظرهایی بدین شکل که: «ارائه چنین مثالهایی برای اثبات قرابت دو زبان کافی بنظر نمی‌رسد. زیرا که فاصله ۵-۶ هزار ساله موجود بین دو قطب مقایسه، نتیجه‌بخش بودن آنها را تردیدپذیر می‌نماید»^(۲) که با توجه به فاصله زمانی ۵-۶ هزار ساله میان زبان ترکی معاصر و زبان سومری ارائه شده معلول نادیده انگاشتن یک واقعیت علمی است به این قرار که زبانهای التصاقی به سبب ویژگیهای ساختاری خویش در مقایسه با زبانهای هند و اروپایی و سامی بسیار اندک و دیرتر دستخوش دگرگونی و تغییر می‌شوند.

بنابراین غیرکافی انگاشتن مقایسه‌های هومل از سوی دانشمند گرانقدر رحیم رئیس‌نیا صحیح و لیکن شبهه و تردید در نتیجه‌بخش بودن آن نادرست است.

با توجه به ارتباط متقابل میان علم تاریخ و زبانشناسی، و نیز تغییرپذیری اندک زبانهای التصاقی [نسبت به زبانهای هند و اروپایی و سامی]، نه تنها مقایسه زبان سومری بلکه مقایسه زبان سایر اقوام باستان التصاقی زبان منطقه چون ایلامیان، کاسیان، هیتیان، اورارتوئیان، گوتیان، لولویان، و ماننایان، با زبانهای ترکی معاصر از جمله زبان آذری از جنبه‌های علمی مذکور ممکن و ضروری است، لیکن این مقایسه باید در گستره‌ای وسیع و به شیوه‌ای علمی انجام گیرد.

ما تلاش خواهیم کرد تا برخی از این زبانهای التصاقی باستان را با زبانهای معاصر ترکی به سه شکل مورد مقایسه قرار دهیم:

الف - مقایسه همسانی و یا قرابت واحدهای لغوی زبانهای التصاقی منطقه در دوران باستان

۱- رئیس‌نیا، رحیم، آذربایجان در سیر تاریخ ایران، ج ۲ ص ۱۶۹

۲- رئیس‌نیا، همان، ج ۲ ص ۱۸۹

با زبانهای ترکی معاصر.

ب- مقایسه برخی از واحدهای لکسیک ذخیره اصلی لغوی زبان سومری و زبانهای ترکی معاصر. (در این مقایسه اساساً از پژوهشها و آثار «اولجاس سلیمان» و پروفیسور عثمان ندیم تونا بهره جسته ایم).

ج- مقایسه ساختار گرامری زبانهای التصاقی مزبور با زبانهای ترکی معاصر از جمله ترکی آذری، هم از نظرگاه اشتقاق و هم از نقطه نظر پیوندی بودن آنها.

الف - همسانی و قرابت واحدهای لغوی زبانهای التصاقی منطقه در دوران باستان با زبانهای ترکی معاصر

معنی	در زبانهای ترکی معاصر	در السنه باستان
مادر	آنا زبانهای ترکی	۱- آنا در زبان ایلامی. آما- در سومری
سه	اوج زبانهای ترکی	۲- اوش - ماننایی و سومری
تخته سنگ	قایا زبانهای ترکی	۳- قایا - ماننایی
بیابان	بایر زبانهای ترکی	۴- بَیر - سومری
دختر	قیز زبانهای ترکی	۵- قین - سومری
سبز	گوی ترکی آذری	۶- گوک - ایلامی و کاسی
پدر	آتا زبانهای ترکی	۷- آتا - ایلامی، آدا - سومری
گفت	دئمک - دئدی، ترکی آذری	۸- تیر + ی + ش - ایلامی
انجام داد	اٹمک - اٹدی، ترکی آذری	۹- هوت + تا + ش - ایلامی
خان	خان زبانهای ترکی	۱۰- خان - ائپیلو خان شاه ایلام - ایلامی
سنگین	آغیر زبانهای ترکی	۱۱- آغار - سومری
پایین	آشاغی زبانهای ترکی	۱۲- آششا - سومری
پرنده	قوش زبانهای ترکی	۱۳- قاش - سومری
بیرون	اٹشیک ترکی آذری	۱۴- قیشیق - سومری
مگس	چیبین ترکی آذری	۱۵- زببین - سومری
بابا	بابا زبانهای ترکی	۱۶- بابا - مادی

لغات مذکور در جدول فوق واژگانی می‌باشند که دارای ریشه کاملاً مشخص در زبان ترکی آذری هستند.

زبان سرخپوستان که ساکنان بومی امریکا هستند نیز جزو گروه زبانهای التصاقی است. برخی از لغات آنان با واژگان متقابل در زبانهای ترکی همسان است. بعنوان مثال "سیو" ها که از طوایف سرخپوست هستند به آتا (پدر)، "آته" Ate و به آنا (مادر)، اینه Ine می‌گویند. در مکزیک و آمریکای مرکزی مناطق کوهستانی زیادی وجود دارند که در ترکیب نام آنها کلمه تپه بکار رفته است. در میان طایفه "آزتس" Aztes که یکی از طوایف سرخپوست هستند لغت "تپه" دقیقاً بهمان معنی که در ترکی آذری بکار می‌رود مستعمل است.

ب- مقایسه ذخیره اصلی لغوی زبان سومری و زبانهای ترکی معاصر

ما هنوز به جدول مقایسه ف. هومل دسترسی نداریم لیکن براساس اظهارنظر اولجاس سلیمان درباره این مقایسه می‌دانیم که هومل زبانهای سومری و ترکی را تنها با برابر هم نهادن ۱۵-۱۰ واژه اصلی مورد مقایسه قرار داده است. باید گفت که هومل گرچه با این اقدام خویش گام علمی جسورانه و بزرگی برداشته که به عنوان نخستین گام بی‌اندازه ارزشمند است، لیکن مقایسه وی برای اثبات قرابت زبانهای مزبور ناکافی است. برای اثبات قرابت و هم‌ریشه بودن دو زبان باید تعداد بیشتری از "لغات اصلی"، و در عین حال ساختار دستوری آن زبانها با یکدیگر مورد مقایسه قرار گیرد. علاوه براین به نوشته اولجاس، هومل این کلمات را از همه زبانهای ترکی اخذ نموده، بعلاوه وی نه همسانی و قرابت ریشه کلمات، بلکه تشابهات ظاهری واژه‌ها را مد نظر قرار داده است. اولجاس با در نظر گرفتن علل ناکامی هومل، کلمات اصلی و ریشه لغات را در این زبانها مورد مقایسه قرار داده است.

اولجاس سلیمان متذکر شده است که، ی.م. دیاکونوف تورکولوگ نامی روس در مقایسه زبان سومری و ترکی یکصد واژه از این زبانها را با یکدیگر مورد مقایسه قرار داده است. لیکن اولجاس سلیمان برخلاف هومل و ی.م. دیاکونوف در جدولی که تنظیم نموده تنها ۶۰ واژه مشترک را با یکدیگر مقایسه کرده است. وی با گزینش این رقم در واقع خواسته است حقیقتی مهم مبنی بر خدمات سومریان به تمدن بشری را خاطر نشان سازد. (تقسیم هر ساعت به ۶۰ دقیقه، هر دقیقه به ۶۰ ثانیه و... توسط سومریان)

اولجاس سلیمان در مقایسه خویش، همه زبانهای ترکی را مدنظر قرار داده، ولی ما از این میان تنها کلماتی را که امروزه در زبان ترکی آذری عیناً و یا با اندک تغییراتی وجود دارند و ریشه آنها برای آذری‌ها دانسته است برگزیده‌ایم.

جدول مقایسه کلمات سومری و ترکی آذری

معنی	ترکی	معنی	سومر
پدر	آتا	پدر	۱- آدا-
مادر	آنا	مادر	۲- آما
زاییدن	[توغو] - دوغماق	زاییدن	۳- تو Tu
زائیده شد	[توغد] دوغ + دو. دوغولدو	زایید	تود Tu+D
زاییدن	[توما] دوغما	زاد و ولد	توم TU+M
زنده	[تیریک]، دیری	زندگی	۴- تیر
پیکان	تیر	پیکان	تیر
دختر باکره	سیلیک قیز	دختر باکره	۵- کیر - سیلیک
تمیز	سیلیک	تمیز	۶- سیلیک [Sikil]
جنگاور، بنظر ما «سربازان»	ارن	سرباز، جنگجو	۷- ارن Er+En
چوپان	چوبان	چوپان	۸- شوبا (سپا)
اوروق (از فعل قورماق) ارک، قلعه، شهر، جمعیت	اوروق	قلعه، شهر	۹- اوروق Urug
ساختن، احداث	اورو - قورماق	احداث	رو Ru (قورماق)
وصل کردن - نصب کردن	تاخماق	نصب کردن	۱۰- تاق
آهنگر	[تیبش - تبیر= آهن] دمیرچی	مسگر، آهنگر	۱۱- تبیرا
رد شدن	اوتمک	رفتن	۱۲- ائد
صدا	گوی	صدا	۱۳- گو Gu
شادی	گولوش	شاد	۱۴- قولشه Gülše
شنونده	[اشتوقان] - ائشیدن	شنونده	۱۵- قوشتوکا Guštuka
آلت شنیدن	اشتوک	گوش	۱۶- قشتوک Geštuk
دانا، فرزانه	[بیلقا - بیلدین] بیلن	اجداد	۱۷- بیلگا ^(۱)
من	من - بن	من	۱۸- مئی Mae=Me
مرغابی	[یوزوک Yüzük] سودا اوزن	مرغابی	۱۹- اوزوق Uzug

۱- این کلمه در سومری به معنی اجداد بود و در زبانهای ترکی به معنی "دانا-عارف" بکار رفته است. مثلاً در نام بیلگه خاقان - (آزی یا - اولجاس سلیمان ص ۲۲۴) ظاهراً در زبان سومری کلمه بیلگا به کنایه از اجداد و پدران سالمند و باتجربه و دانا بکار می‌رفت. (ر.ک آذربایجان و هویت. امید نیایش ۱۳۸۰ ص ۳۹). [مترجم]

۲۰- قاش	پرنده	قوش	پرنده
۲۱- قیش	درخت	آغاج - آغاش	درخت
۲۲- کور	کوه	[کور - قور] از فعل قورماق	کوه
۲۳- کیر Kir	خاک	یئر	زمین
۲۴- دئش Deş	نقطه	از فعل دئشمک	
۲۵- اوش Üş	سه	اوش - اوچ	سه
۲۶- او U	ده	اون	ده
۲۷- اوزوک Uruk	دراز، بلند	اوزون [اوزاق، در قزاقی]	دراز
۲۸- توش Tuş	افتادن	دوشمک	افتادن
۲۹- اودون Udun	اجاق	اودون	هیزم، سوخت
۳۰- دینقیر Dingir	خدا، آسمان	تانی [تنقیر]	خدا، آسمان

با بررسی واژگانی که در جدول فوق ارائه شده بوضوح مشاهده می‌گردد که ذخیره اصلی لغوی زبان سومری قابل مقایسه با ذخیره لغوی زبانهای ترکی من جمله زبان آذری است. قرابت معانی و ساختمان صوتی این کلمات تابع یک نظام می باشد و این امری طبیعی است چرا که هر دو زبان دارای منشأ واحدی هستند. قرابت صوتی و معنایی، همچنین بیانگر این مطلب است که این زبانها در طول اعصار با زبان سومری در ارتباط بوده‌اند و در نتیجه کلمات، هم از لحاظ ساختار صوتی و هم بلحاظ معنایی قرابت خود را با یکدیگر حفظ کرده‌اند.

ج - مقایسه این زبانها از نظر قواعد صرفی (مورفولوژی) و اشتقاق

گرچه وحدت و قرابت ذخیره اصلی لغوی شرط لازم قرابت و هم ریشگی دو زبان است لیکن شرط کافی آن نیست. در این مورد وجود قواعد مورفولوژیک مشترک میان این زبانها نیز ضروری است. ما در اینجا خواهیم کوشید تا التصاقی بودن زبان سومری را ثابت کرده و در عین حال قواعد صرفی (مورفولوژیک) مشترک میان این زبان و زبان ترکی آذری معاصر را نشان دهیم. چنانکه می‌دانیم ویژگی اصلی زبانهای التصاقی عبارت از آنست که اشتقاق (ساخته شدن کلمات جدید از یک کلمه مادر)، و یا تغییرات ظاهری یک کلمه تنها بوسیله افزودن پسوند انجام می‌گیرد. زبان سومری نیز دارای همین ویژگی است بعنوان مثال:

۱- تصریف اسامی: در زبانهای ترکی معاصر من جمله ترکی آذری اسم دارای ۶ حالت است که پسوندهای مربوط به ۳ حالت از این حالات شش‌گانه در زبان سومری شناخته شده است. اولین آنها پسوند مفعول غیر مستقیم یعنی "را" است که امروزه در زبان آذری فقط به شکل "آ" - "ه" بکار می‌رود، یعنی عنصر "ر" اسقاط شده، در حالیکه در برخی زبانهای ترکی معاصر به "ق"

تبدیل یافته است. دومین حالت، حالت مفعول فیه یا تخصیص است که پسوند آن "دا" میباشد و بالاخره حالت سوم حالت انفکاک یا مفعول عنه است که پسوند آن "دان" است. همچنین ثابت گردیده که در زبان التصاقی اقوام هوریانی نیز که در هزاره‌های دوم و سوم ق.م در مغرب دریاچه ارومیه می‌زیستند پسوندهای مربوط به حالت مفعول فیه و مفعول عنه همان "دا - دان" بوده است.

۲- اسم فاعل "آن - ان": در زبانهای ترکی من جمله ترکی آذری به انهای مختلف از افعال، کلمات گوناگون مثل اسم، صفت و غیره ساخته می‌شود برای انجام این امر بطور کلی از فرمول «ریشه فعل + پسوند = اسم، صفت و...» استفاده می‌گردد. پژوهشها و نمونه‌های موجود نشان می‌دهد که در زبان سومری نیز در این مورد از همین فرمول سود می‌جستند، لیکن بجای ریشه فعل مصدر فعل مورد استفاده قرار می‌گرفته است. مصدر + پسوند = اسم،... نمونه‌های زیر مؤید این حقیقت هستند:

در زبان سومری نیز همچون زبانهای ترکی معاصر اسم فاعل با استفاده از پسوند "آن - ان" ساخته می‌شد. مانند: ار - بدنبال کسی رفتن. ارن - شخصی که بدنبال کسی یا چیزی می‌رود. (آردیندان گشدن)

در زبان ترکی آذری معاصر به وسیله پسوند مختلفی که به حرف "ک" ختم می‌شوند از اسامی و صفات و مصادر، کلماتی با معانی مختلف ساخته می‌شود. در زبان سومری نیز با پسوندی که به حرف "ک" ختم می‌شود کلمات جدید ساخته شده است. در این مورد نخست برخی از پسوندهایی را که در زبان آذری به حرف "ک" ختم می‌شود ارائه می‌کنیم.

الف) پسوند چهار شکلی «لیق - لیک - لوق - لوک»: آزیق، پتک لیک، اودونلوق، سوزلوک
ب) پسوند چهار شکلی «جیق - جیک - جوق - جوک»: آناجیق، ائوجیک
پسوندهایی که در زبان آذری معاصر به حرف "ک" ختم می‌شوند و از افعال، اسم و صفت می‌سازند عبارتند از:

الف - پسوند چهار شکلی «یق - یک - وق - وک»: قاتیق، بیلک، اوچوق، هوروک
ب - آجاق، اجک: اولاجاق حادثه، گله جک گون
ج - آق - اک: داراق، پیچاق، الک، بلک

حال نمونه هایی از واژگانی را که در زبان سومری با استفاده از پسوند "ک" ساخته شده

ارائه می‌دهیم:

۱ - اورو - URU - احداث کردن اوروک (URU+G) شهر - قلعه - ارک

۲ - اوزو - UZU - شنا کردن اوزوک (UZU+G) مرغابی

۳ - تصریف افعال: در زبان سومری نیز همچون زبان آذری معاصر علامت اصلی سوم

شخص مفرد در ماضی مطلق "د" بود. مانند:

تو (Tu) = توغماق - دوغماق (زاییدن) تو + د (Tu+d) دوغ + دو - (زاییدن)

۴ - اسامی فعلی: پسوند دو شکلی «ما - مه» که در زبان آذری معاصر (با الحاق به ریشه افعال) بدون استثناء از تمامی افعال، اسم می سازد، به دلیل همین ویژگی استثنا ناپذیری خود دارای قدمتی طولانی و بازمانده از دوران سومریان می باشد. این پسوند در زبان سومری به شکل "م" بوده است. بعبارت دیگر در زبان سومری نیز به کمک حرف "م" اسامی فعلی ساخته می شد، لیکن این پسوند در سومری به مصادر افعال الحاق می شد در حالیکه امروزه پسوند «ما - مه» به ریشه افعال الحاق می گردد مثال:

الف - تو = tu = دوغماق (زاییدن)، تو + م (Tu+m) ایجاد - ایجاد نسل

ب - تو - دو = Du = دوغماق دو + مو (Du+mu) = بچه - نسل

۵ - اعداد مرکب از ۱۰ تا ۲۰: امروزه در زبانهای ترکی هنگام شمارش اعداد، از ۱۰ تا ۲۰ نخست جزء دهگان و سپس جزء یکان می آید. مانند: اون بیر ۱۱، اون اوچ ۱۳، اون دوققوز ۱۹. ولی در اکثر زبانهای هند و اروپایی و سامی این ترتیب بالعکس است. یعنی ابتدا جزء یکان و سپس جزء دهگان می آید. به عنوان مثال از میان زبانهای هند و اروپایی نظری بیافکنیم به زبانهای فارسی، فرانسوی و روسی

فارسی: یک + ده = یازده دو + ده = دوازده

فرانسوی: ان + دیز = اونز دو + دیز = دوز

روسی: اودین + نا + دئسیت = اودین نادسیت دیوه + نا + دسیت = دیوه نادسیت

از زبانهای سامی نیز می توان به زبان عربی اشاره نمود.

احد + عشر = احد عشر اثنی + عشر = اثنی عشر

ویژگی تقدم جزء دهگان بر جزء یکان از خصوصیات زبانهای التصاقی است. این قاعده در زبان سومری نیز کاملاً مانند زبانهای التصاقی من جمله زبان آذری معاصر بود. مثلاً در زبان سومری معادلهای اعداد یک = آش، دو = مین (ایمما)، سه = اوش، ده = او u بود و عدد یازده بصورت "اواش" عدد ۱۳ بصورت "اواوش" و عدد ۱۲ بصورت "اومین" نوشته می شد.

۶ - علامت اعداد ترتیبی: علامت اعداد ترتیبی در زبان سومری "کم - کوم" بود. مانند "اوش کم" - سومین. می دانیم که در زبان ترکی آذری ادبی معاصر علامت اعداد ترتیبی "ینجی" است، لیکن این پسوند در زبان محاوره بصورت "یم ینجی" بکار میرود. پسوند اخیر مرکب از دو جزء "یم" و "ینجی" است که هر کدام از این دو جزء بصورت مستقل در زبان اقوام مختلف ترک

بعنوان علامت اعداد ترتیبی بکار رفته و میرود. مثلاً پسوند "یم - اوم" به عنوان علامت اعداد ترتیبی امروزه میان ایل "دره شوری" قشقائیان رایج است. در زبان "تووا" نیز که جزو زبانهای ترکی است، علامت اعداد ترتیبی "کی - کو" است^(۱) بنابراین پساوند اعداد ترتیبی در زبان سومری دارای قرابت و شباهت با همین پسوندها در زبان ترکی است.

۷- سیستم اعداد: در زبان سومری در اعداد سیستم دهی، بیستی و شصتی رایج بود. در ترکی قاراچای - بالکار نیز سیستم بیست حاکم است.^(۲)

ذکر این نکته ضروری است که نباید از نظریه التصاقی و ترکی بودن زبان اقوام سومری، ایلامی و ... چنین استنتاج نمود که زبان این اقوام همانند زبان ترکی معاصر و یا بسیار نزدیک به آن بوده است. باید در نظر داشت که زمانی به درازای ۵-۶ هزار سال از آن عهد سپری شده است. در این فاصله زمانی طولانی بر اساس قاعده کلی ای که حاکم بر همه زبانهای دنیا است، زبان ترکی نیز بصورتی اساسی تغییر یافته و از آن زبانهای مختلف ملی هم ریشه انشعاب یافته اند که از آنجمله است زبان اقوام یاکوت، اویغور، قزاق، قرقیز، باشقیر، چوواش، ازبک، تاتار، ترکمن، آذری، قاراچای، بالکار، تووا، مغول، ترکان آناتولی.

در اینجا ارائه مثالی برای بدست دادن تصویری کوچک از نحوه تحول و تغییر زبان ضروری به نظر می رسد. می دانیم که در زبانهای ترکی قدیم من جمله زبان ترکی آذری کلمه "بار" به معنی "آمدن" بوده است. این کلمه در زبان ایلامی - خوزی به شکل "باب" و به همان معنی "آمدن" بوده است. در زبان قزاقی ۱۲۰۰ سال پیش این کلمه به شکل "فار" در آمده و واجد همان معنی "آمدن"، "رفتن" بود، چنانکه در نام ابونصر فارابی نیز مشاهده می شود. این کلمه در زبان ترکمنی معاصر به شکل "بار" به معنی "برو" و در زبان آذری بصورت "وار" به معنی "رسیدن" و "واصل شدن" بکار میرود چنانکه در داستان اصلی و کرم می خوانیم:

ارضرومون گدیگینه واراندا اوند اگوردوم درم - درم قار گلیر

مقایسه یک عنصر نحوی

گفتیم که کلمه "اوچ" به صورت "اوش" هم در میان اهالی ماننا بکار می رفته و هم در زبان

۱- هیئت. جواد - سیری در زبان ترکی و لهجه های آن، ص ۳۷۴.

۲- هیئت، جواد، همان. یعنی به چهل، ایکی دزیرما و به شصت، یوچ دزیرما و صد را بش دزیرما می گویند. سیری در

ترکان آذری معاصر به کار می‌رود. کلمه "اوش قایا" (نام باستانی شهر اسکو در زبان ماننایی) مؤید این موضوع است. سارگون دوم در لشکرکشی سال ۷۱۴ ق.م دژ "اوش قایا Ušqaya" در شرق دریاچه ارومیه و دامنه‌های غربی سهند را تسخیر نموده است.

در این نام علاوه بر کلمه اوش = اوچ، واژه قایا نیز بیانگر آن است که کلمه اخیر که در زبان ترکی آذری معاصر به معنی "تخته سنگ" بکار می‌رود، در ۱۵۰۰ الی ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد نیز در زبان اهالی آذربایجان آن عهد رایج بوده است. نام "اوش قایا" با قلعه سه کوه در شرق اسکو مرتبط بوده است.^(۱)

ترکیب "اوش قایا" در زبان ماننایی، نشانه‌ای از قرابت و وحدت ترکیب صوتی و ساختمان صرفی و لغوی زبان ماننایی و زبان ترکی آذری معاصر است. علاوه بر این ترکیب مزبور به لحاظ نحوی نیز بوضوح مؤید قرابت این زبانهاست. زیرا ترکیب این دو کلمه (اولی عدد و دومی اسم) که هر دو اسم هستند در نظام نحوی زبان ترکی آذری معاصر نیز به همین شکل یعنی از اقسام نوع اول اسامی مرکب - ترکیب عدد و اسم - می‌باشد. مثالهایی از این دست در زبان ترکی آذری معاصر عبارتند از: یئدی قارداش (هفت برادر)، اوچ بوجاق (مثلث) و....

جالبتر اینکه این قاعده نحوی موجود در زبانهای ترکی یعنی ساختن نوع اول اسامی مرکب، بعلاوه مهم‌ترین آن یعنی ترکیب «صفت + اسم» مدتها پیش از ماننایان در زبان سومریان بکار رفته است. چنانکه در ترکیبهای کئن - اوق بمعنی خانه بزرگ و یا سیلیک - کیر بمعنی دختر باکره^(۲) ملاحظه می‌گردد. بدین ترتیب، این قاعده نحوی موجود در زبانهای ترکی، از جمله ترکی آذری، هم در زبان سومری و هم در زبان ماننایی وجود داشته است. این نیز بدان معنی است که قواعد نحوی نیز همچون قواعد صرفی دارای ریشه‌ای بس کهن در زبان هستند و قواعد نحوی وسیعی که در زبان ترکی آذری وجود دارند، از پنج، شش هزار سال پیش از میلاد آغاز به شکل‌گیری نموده‌اند.

موارد متعددی که در خصوص ترکیب لغوی، ذخیره اصلی لغوی، اشتقاق، ویژگیهای مورفولوژیک و تا اندازه‌ای نیز خصوصیات نحوی زبانهای سومری و ترکی آذری مورد اشاره

۱- شمشي اداد (احتمالاً هفتم که از ۸۲۴ تا ۸۱۱ ق.م در آشور سلطنت کرده) در لشکرکشی به جنوب دریاچه ارومیه، از قلعه‌های سه کوه آویزان از آسمان نام برده و سارگون دوم یک قرن بعد در همین اراضی از محلی به نام اوشکایا (اوش قایا = سه صخره) نام برده است. دیاکونوف حدس زده است که اوشکایا همان اسکوی کنونی باشد که در دامنه غربی کوه

سهند قرار گرفته است. رئیس نیا، آذربایجان در سیر تاریخ ایران، ج ۲، ص ۸۷۵ [مترجم]

۲- اولجاس، سلیمان. آزی‌یا، ص ۲۳۴

نتیجه

بدین ترتیب تحقیقات تورکولوگهای جهان که هر روز دامنه‌های بسط آن وسیع‌تر می‌گردد به روشنی مؤید آن است که نه تنها زبان سومری از زبانهای التصاقی و یافشی بوده بلکه این زبان صورت باستانی زبانهای ترکی می‌باشد و زبانهای اخیرالذکر جزو گروه زبانهایی هستند که از زبان سومری منشعب گشته‌اند.

علم زبان‌شناسی ثابت کرده است که تغییری هر چند اندک در یک قاعده یا واژه متعلق به یک زبان نیازمند زمانی به درازای اعصار است به همین دلیل نیز پدید آمدن هر بخشی از زبان، مثلاً سیستم افعال یک زبان نیازمند زمانی بسیار طولانی می‌باشد. تکامل تغییرات تدریجی زبان به شکل یک سیستم، محصول تلاش فکری افراد یک ملت است. با توجه به همین واقعیت، لازم می‌آید نظری اجمالی به غنا و پیدایش سیستم افعال زبانهای ترکی و به عبارت دقیق‌تر زبان ترکی آذری انداخته شود.

در میان زبانهای دنیا سیستم افعال زبان عربی هم بسیار غنی و دقیق و هم به لحاظ معنا دارای حوزه‌ای وسیع است. این غنا و وسعت و شمول سیستم افعال زبان عربی ظرف چه مدتی پدید آمده است؟ پیدایش ادبیات مکتوب عربی مربوط به ۱۵۰ سال پیش از ظهور اسلام می‌باشد. بدون تردید شکل‌گیری زبان عربی تا آن زمان نیازمند اعصار طولانی بوده است. این شکل‌گیری مسلماً از دوران جدا شدن اعراب از اقوام سامی یعنی به تقریب از ۲۵۰۰ الی ۳۰۰۰ سال پیش آغاز شده است.

سیستم افعال زبان فارسی معاصر نسبت به زبان عربی ساده‌تر و تقریباً مانند زبان فرانسوی است. پیدایش ادبیات مکتوب این زبان جوان مربوط به ۱۲۰۰ سال پیش است. بدین ترتیب سیستم افعال زبان فارسی به رغم سادگی خود تقریباً در طول ۲۰۰۰ سال پدید آمده است. سیستم افعال زبان فرانسوی نیز تقریباً چنین است. اجداد فرانسویان یعنی "گول‌ها" به تقریب از ۲۰۰۰ سال باز در عرصه تاریخ ظاهر گشته‌اند. ده هزار نفر از سپاه ۱۱۳ هزار نفره آنتونیوس سرکرده رومی را در حمله‌اش به آذربایجان، گول‌ها تشکیل می‌دادند.

بطور کلی سیستم افعال زبانهای ترکی از جمله زبان ترکی آذری به لحاظ غنا، دقیق بودن، شمول، انسجام، و تعدد و وسعت معانی در میان زبانهایی که می‌شناسیم بی‌همتاست. غنایی چون وجود بیش از بیست نوع زمان گذشته که اکثر آنها دارای انواع شهودی و غیر شهودی هستند، در هیچ یک از زبانهایی که می‌شناسیم، دیده نمی‌شود. زبانهای عربی و روسی تنها دارای یک نوع و زبانهای فارسی و فرانسه نیز دارای چهار نوع زمان گذشته می‌باشند و مفهوم

غیر شهودی در این زبانها وجود ندارد. اغلب افعال این زمانهای گذشته زبان ترکی آذری را که عبارت از یک کلمه‌اند در زبانهای عربی، فارسی، فرانسوی، روسی و غیره تنها به صورت یک جمله می‌توان ترجمه نمود. علاوه بر این در زبان ترکی آذری و اغلب زبانهای ترکی چنان نوعی از سیستم افعال و صیغه ویژه آن موجود است که در زبانی چون زبان عربی که به لحاظ ساختمان فعلی غنی می‌باشد، نه مفهوم و نه شکل و صیغه آن وجود ندارد. افعال ارجاع (قاییدیش) در زبانهای ترکی آذری از این گونه‌اند. به علاوه در زبان ترکی آذری هر فعل در دهها و حتی گاه در ۴۰-۵۰ معنی بکار می‌رود.

چنانکه پیشتر گفتیم، روند تشکّل سیستم افعال و نیز هر تغییر کوچکی در کلمه، قاعده و فعلی در یک زبان، نیازمند زمانی به درازای قرن‌ها است. به همین دلیل نیز این مدعا که سیستم وسیع افعال زبان ترکی آذری که بدان اشاره رفت، در زمانی بس طولانی، در طول چند هزار سال در قلمرو آذربایجان و بوسیله ملت آذربایجان تشکّل یافته به کلی طبیعی، علمی و بدور از اغراق خواهد بود. در این خصوص حسن میرزایف دانشمند زبان شناس در کتاب خود بنام "آذربایجان دیلینده فعل لر" (افعال در زبان آذربایجانی) که به پژوهش افعال ترکی آذری اختصاص داده، در زمینه مورد بحث چنین می‌نویسد: «بگذار آنان که در خصوص قدمت و دیرینگی ملت، زبان، ادبیات، فرهنگ و هنر آذربایجان تردید دارند و به چشم حقارت در عناصر مزبور نگریسته، اصل و منشأ و ملت خود را انکار می‌کنند، چشمانشان را باز کرده و قدمت افعال موجود در زبان این ملت و تاریخ تشکّل آن را به خوبی تماشا کنند. آنگاه خواهند دید که ملت آذربایجان و زبان او دارای قدمتی بس کهن‌تر از آن است که تاکنون گفته یا نوشته شده است.»^(۱)



نخستین ساکنان سرزمین آذربایجان

پیش از در آمدن اقوام هند و اروپایی به منطقه

تمدنهای باستان نواحی غربی جغرافیای ایران کنونی از جنوب به شمال عبارت بودند از: تمدنهای ایلام، کاسی، لولوبی، گوتی، هوری، ماننا و اورارتو. این تمدن‌ها همه دارای یک منشأ واحد بوده‌اند. این منشأ واحد همان تمدنهای سومر و ایلام و در ارتباط با ایران اگر دقیق‌تر گفته باشیم تمدن ایلام بوده است. تمدنهای کاسی، گوتی، لولوبی، ماننا و ماد شعبه‌هایی از همین تمدن ایلامی بوده‌اند. زبان همه اقوامی که این تمدن‌ها را بوجود آورده و برای ایران کنونی، دیرین‌ترین افتخارات و سرافرازیها را به ارمغان آورده‌اند التصاقی و از گروه زبانهای اورال - آلتائیک بوده است.

دکتر ض. صدر در یکی از مقالات خود می‌نویسد:

«در تحلیل تمدن کشورمان باید گفت تمدن ایرانی یعنی تمدن ایلامی، بنابه نوشته پیر آمیه در کتاب "ایلام" تمدن ایلامی از هفت هزار سال قبل از میلاد تا زمان انقراض آن در ۶۴۰ ق.م ادامه داشته و از عصر سفال و سفال رنگی و مفرغ و آهن به تشکیل شهر - دولتها و دولت سراسری (در ۲۲۰۰ ق.م) ره سپرده و پروسه و بافت تمدن عظیم آن در دست است. ده هزار لوحه خوانده نشده آن در دانشگاه شیکاگو وجود دارد اگر همه آنها خوانده شوند گرامر زبان ایلامی هم بصورت کامل بدست خواهد آمد متأسفانه بارواج فرهنگ ناسیونالیسم افراطی پهلوی، رفته رفته این تمدن در هاله فراموشی رفت. زیرا ایلامی‌ها نه سامی بودند و نه آریایی، زبان آنها به تصریح محققین و مورخینی چون ویل دورانت (تاریخ تمدن)، سرپرسی سایکس، کلمان هوار، پطروشفسکی و هنری فیلد جزو زبانهای اورال آلتائیک نظیر فنلاندی، ترکی، مجاری و مغولی و... است. فرم و سیستم شهر و ده و ایل تباری و روستائینی و قانون‌گذاری در ایران و خلاصه ریشه تمدن سنتی ما به ایلام بر می‌گردد و با توجه به اینکه زبان ایلام یکی از سه زبان اصلی دوره هخامنشی‌ها بوده و داریوش کتیبه بیستون را به زبان بابلی، ایلامی و پارسی باستان نوشته است و پایتخت هخامنشی پایتخت ایلامیها یعنی شهر شوش بوده است لذا زنده بودن زبان ایلامی بعنوان زبان اداری و دیوان در آن دوره مسلم است و بنابه روایت مورخین اسلامی تا قرن سوم هجری، زنده بوده است. (این زبان هنوز نیز تا اندازه‌ای زنده است. م) نتیجه اینکه ایجاد تمدن در کشور ما بدست ایلامیها انجام گرفته که خوزیها یکی از طوایف سه گانه آنها

بوده‌اند. و نام خوزستان نظیر نام دریای خزر یادگار قوم ناپدید شده ایست که از تاریکی هزاره‌ها فروغ تمدن آن سوسو می‌زند و دل‌های حقیقت خواه را بسوی خود می‌خواند. در کنار این تمدن، تمدن‌های گوتی، ماننا، کاسیت، لولوبی‌ها و غیره وجود داشته است. و همه اینها بنا به تعریف مورخین، ازیاتیک زبان (منسوب به آسیای مرکزی) بوده‌اند و به گروه زبان‌های التصاقی (اورال و آلتائیک) متعلقند.^(۱)

دکتر ض. صدر این مطالب را بر اساس کتاب «در تاریکی هزاره‌ها» تألیف ایرج اسکندری که جزو کادر مرکزی رهبران حزب توده و از شاهزادگان قاجار بود، نوشته است. از سخنان ض. صدر چنین بر می‌آید که محور اصلی مطرح شده در کتاب ایرج اسکندری اندیشه «تمدن ایرانی، یعنی تمدن ایلامی» است. این نظریه اسکندری که خود فردی واقع‌بین و غیر متعصب است شایان توجه و ژرف اندیشی است.

با دقت پیرامون این موضوع، و با تجزیه و تحلیل رویدادهای دوران مربوطه می‌بینیم که پارسیان از بدو ورود و استقرار در ایالت فارس در ۹۰۰ سال پیش از میلاد تابع و خراجگزار دولت ایلام بوده‌اند چرا که این اراضی متعلق به ایلامیان بود. حتی در دوران نخست حضور پارسیان در ایالت فارس، دولت ایلام در این ناحیه دارای امرایی بوده و کتیبه‌هایی از آنان به زبان ایلامی تا امروز در استان فارس باقی است.

زبان اداری پارسیان در این دوره زبان ایلامی بود. سرانجام شاهان مادی با تصرف ایالت فارس، پارسیان را منقاد خویش ساختند و آنان این بار بجای شوش، تابع اکباتان و خراجگزار مادها گشتند. لیکن زبان اداری آنان همچنان ایلامی بود، چرا که میان زبان ایلامی و زبان دولت ماد تفاوت مهمی وجود نداشت و این دو زبان محتملاً همانند بودند.

تا امروز کتیبه‌ای بزبان مادی بدست نیامده است. بدون شک شاهان مادی کتیبه‌هایی داشته‌اند. لیکن زبان رسمی آنان یا ایلامی و یا زبان گوتی و لولوبیایی بوده و با زبان ایلامی قرابت داشته است. این نیز تا حدودی منطقی بنظر میرسد چرا که در آستانه تشکیل دولت ماد، اخلاف گوتیان و لولوبیان دارای امارات مختلف چندی بودند که زبان‌هایشان اگر چه هم ریشه بود، لیکن تا اندازه‌ای با هم تفاوت داشت و این زبانها هنوز در نتیجه فشارها و تهاجمات خارجی به عنوان زبان ادبی و کتابت شکل نیافته بود. در مقابل، زبان ادبی ایلامی که با زبان‌های محلی مزبور خویشاوند و هم ریشه بود، از یک سو سابقه کتابتی تقریباً سه هزار ساله داشت و از سوی دیگر در این مدت بلحاظ سیاسی جزو زبان‌های ادبی شناخته شده و مهم منطقه و زبان

رسمی دولتهای کاسی، گوتی، لولوبی و ماننا بود. این زبان حتی در دوران هخامنشیان به ظن قوی زبان اداری بوده و از اینرو کتیبه داریوش دارای متن ایلامی نیز می باشد. زبان ایلامی حتی پس از هخامنشیان نیز نفوذ و اعتبار خود را در منطقه محفوظ داشته بود و این امری طبیعی است چرا که عمر حکومت هخامنشیان در مقایسه با حاکمیت ۲۸۵۰ ساله ایلامیان و نفوذ و تأثیر آن بسیار اندک و کم اهمیت است دکتر ض. صدر می نویسد:

«پادشاهی پارس ها در ۵۵۰ ق.م آغاز شده و در ۳۳۰ ق.م توسط مقدونیان منقرض گردید. عمر امپراتوری عظیم هخامنشی ۲۲۰ سال بود که از سند تا مصر گسترده بود که در مقایسه با عمر حکومت ایلامی که ۲۸۵۰ سال بوده، بسیار ناچیز است. تمدن هفت هزار ساله ایلامی را ابداً نمی توان با تمدن هخامنشی قابل مقایسه دانست. زیرا این سیر تحولی قوم پارس نبود که تخت جمشید و قصر اصلی داریوش در شوش و غیره را پدید آورد، بلکه به تصریح داریوش او بوسیله استادان تمدنهای تحت سلطه، این اثر بدیع را خلق کرده است»^(۱).

با استنتاج از توضیحات ارائه شده بار دیگر باید متذکر شویم که ایلامیان پیش از در آمدن اقوام هند و اروپایی من جمله پارسیان به فلات ایران، حدود سه هزار سال در این ناحیه حاکمیت داشتند و تمدنی درخشان پدید آورده بودند. همسایگان و هم نژادان آنان یعنی گوتیان و لولوبیان نیز در قلمرو ماد مرکزی و آذربایجان زیسته و تمدنی بوجود آورده اند. زبان ایلامی مدتها پیش از برآمدن امپراتوری ماد که زبان اداری و کتابت در آن، ایلامی بود در هزاره سوم پیش از میلاد میان اقوام گوتی و لولوبی ساکن در قلمرو ماد مرکزی رایج بوده است. یک سند تجاری ساده بدست آمده از تپه سیلک که به زبان ایلامی نوشته شده مؤید این واقعیت است. این سند بوضوح نشان می دهد که در هزاره سوم پیش از میلاد میان گوتیان و لولوبیان اهالی اسناد عادی خویش را به زبان ایلامی می نوشته اند.

بر اساس منابع سومری، اکدی، ایلامی و بابلی از حدود دو هزار سال پیش از ورود پارسیان به فلات ایران، با نام دو قوم که در اراضی همدان و آذربایجان کنونی سکونت داشته اند آشنا هستیم: گوتی Gutti و لولوبی Lullubi. سخنان ر. گیرشمن مورخ فرانسوی در این باره شایان توجه است:

«در آغاز هزاره سوم ق.م (احتمالاً حتی پیش از آن نیز م) دشت غنی بین النهرین وارد عهد تاریخی شده، و بر اثر متونی که ساکنان دشت واقع بین دو شط دربارۀ تاریخ مملکت خود باقی گذاشته اند، نخستین اشعه نور، در ظلمتی که تاریخ ایران را تا حدود ۲۰۰۰ سال بعد هم

پوشانده، نفوذ کرده است.... درباره نواحی شمالی دشت شوش، اطلاعات کمی که ما داریم غالباً منحصرأ از منابع بابلی است. بعلاوه، محوطه‌ای که در خصوص آنها متون مذکور بحث می‌کنند، در داخل ایران چندان پیش نمی‌رود. زیرا آنها فقط از نواحی سرحدی گفتگو می‌کنند که توسط ملل ساکن تپه‌ها مسکون بود، و مردم شومر و قوم سامی نژاد دشت بین‌النهرین دایماً با ایشان در تماس بودند. این اقوام از جنوب به شمال عبارتند از: عیلامیان، کاسیان، لولوبی و گوتی. همه اینها به یک دسته نژادی متعلقند زبان آنان به هم وابسته است و فشار مستمر دشت بین‌النهرین، که هر چه بیشتر بصورت پادشاهیهای متمدن در آمده بود، همه آنان را مجبور کرد که در یک زمان متحد شوند، هر چند که این اتحاد موقت بود. نزاع عظیم بدویان و نیمه بدویان با سکنه خانه‌نشین ادامه یافت. در نظر یک منشی بابلی که در این عهد میزیست، عالم تمدن به دامنه‌های زاگرس خاتمه می‌یافت. حال چنین بود تا ورود ایرانیان (پارسیان م) یعنی دو هزار و پانصد سال بعد،.... هر زمان که کشور بابل تحت سلطنت سلسله‌ای جدید و قوی بود، فشار دشت بین‌النهرین بر سکنه جبال شدید می‌شد. انحطاط بابل از سوی دیگر به منزله شیپور جمعی بود برای اقوام ساکن تپه‌ها، که آنها را به پایین فرا می‌خواند تا دشت غنی مذکور را غارت کنند و حتی گاهی آن را در مدتی کمابیش طویل، اشغال نمایند.»^(۱)

عبارات گیرشمن روشنگر آن است که پیش از در آمدن هند و اروپائیان به این منطقه در خاور نزدیک و میانه تنها اقوام سامی و آسیانیک می‌زیسته‌اند. اظهارات گیرشمن همچنین مؤید آن است که چنانکه پیشتر نیز بدان اشاره کردیم سومریان، ایلامیان، کاسیان، گوتیان و لولوبیان هم نژاد و بدون تردید اقوامی التصاقی زبان بوده‌اند. زیرا چنانکه گیرشمن نیز می‌گوید زبان همه این اقوام با یکدیگر قرابت داشت. سومریان و ایلامیان از طریق گذرگاه دربند به این منطقه (بین‌النهرین و شوش) درآمده و به هر روی از آذربایجان عبور کرده‌اند. در جریان گذر آنان از آذربایجان قبایل و طوایفی از ایشان در این ناحیه رحل اقامت افکنده و در نتیجه هم جوشی و آمیزش با اهالی محلی در طول قرنهای متمادی اقوام گوتی و لولوبی را بوجود آورده‌اند. چنین حوادثی در دوران متاخرتر نیز به کرات تکرار شده است. می‌توان گفت که آذربایجان همواره در طول تاریخ گذرگاه و محل استقرار و اسکان اقوام ترک زبان برآمده از آسیای میانه بوده است. ف. هومل در اوایل قرن بیستم با مقایسه لغات سومری و ترکی آنها را از یک ریشه محسوب و هر دو زبان را جزو گروه آلتائیک شمرده است.^(۲)

ابراهیم قفس اوغلو تاریخ نگار ترک ضمن بحث از ترکان ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد

می‌نویسد: «محتماً ترکان در دورانی قدیم تر، از طریق فلات ایران به بین‌النهرین در آمده‌اند. اینان سومریان‌اند که نخستین قوم متمدن به شمار می‌روند و زبانشان، نه از زبانهای سامی و هند و اروپایی، بلکه جزو گروه زبانهای التصاقی که زبان ترکی را نیز شامل می‌گردد، بود»^(۱).

سرزمین ارته

ثروتهای طبیعی آذربایجان غربی

نواحی غرب، و شمال‌غرب شهر و دریاچه ارومیه یعنی مناطق کوهستانی شمال رشته کوههای زاگرس و محل اتصال این کوهها با جبال توروس از دیر هنگام به لحاظ وجود جنگل و بیشه زارهای انبوهی که منبع تأمین تخته و دیرک و غیره مورد نیاز در ساخت و ساز بود، ناحیه‌ای بسیار غنی و ثروتمند بوده است.

پیش از رجوع به مدارک تاریخی که حاکی از تلاش شاهان بین‌النهرین برای تسلط بر منطقه مزبور می‌باشد، این نکته را متذکر می‌شویم که این منطقه، بدلیل وجود معادن، انواع فلزات و سنگهای قیمتی و... در آن جزو مناطق بسیار غنی و نادر بوده است. این منطقه در کتیبه‌های سومری «ارته» یا «آراتتا» نامیده می‌شود.

بواسطه کتیبه‌های سومری برخی افسانه‌ها بدست ما رسیده است که یکی از این افسانه‌ها، حکایت «انمرکر» پادشاه دولت-شهر اوروک و فرمانروای «ارته» است. در این داستان می‌خوانیم:

«انمرکار پسر «اوتو» خدای خورشید از اینانای مقدس (کلمه مرکب از دو جزء است Inn و ana) دختر خدای خورشید - گویا از خواهر خود - چنین خواهش کرد: بگذار مردم آراتتا (ارته) برای اوروک استادانه سیم و زر فراهم کنند، بگذار سنگ لاجورد بیاورند. بگذار برای «اوروک» شهر مقدس و برای «انشان» جایی که اقامت داری سنگهای قیمتی و لاجورد خالص بیاورند، بگذار بسازند... از «گیر مقدس» آنجا که مسکن گزیدی، باشد که مردم ارت درون آنرا استادانه بسازند و من در آن دعا و نیایش کنم. بگذار آرت (ارتتا) تسلیم اوروک گردد. بگذار مردم ارته سنگها را از کوهستان فرود آورند و معبد بزرگ و مزار عظیم مرا بنا کنند»^(۲).

1- Türk dünyai el kitabı, Ankara, 1976, s, 694.

این درخواستهای "انمرکر" بوسیله یک پیک به حاکم ارتته ابلاغ میشود. درخواست انمرکر از حاکم ارتته در واقع بزبان ساده عبارت از اینست که وی تسلیم شاه اوروک گردیده و مصالح ساختمانی و حجاران و معماران و صنعتگران استاد کار ارتته را در اختیار او بگذارد تا برای شاه اوروک، قصر و پرستش گاه و غیره بنا کند.

حاکم ارتته درخواستهای شاه اوروک را رد کرده و چنین پاسخ می دهد: «من همان فرمانروایم که در خور دست پاکیزه‌ام، خدای همه قوانین آسمانی، اینانای مقدس، مرا به ارت سرزمین قوانین آسمانی فرستاد، تا دروازه‌های کوهستان را محکم کنم، چگونه ارت تسلیم اوروک گردد. به او بگو ارت تسلیم اوروک نخواهد شد».^(۱)

در الواح سومری در ارتباط با ارتته افسانه دیگری نیز بنام «لوکال باندا» و کوه «هوروم» وجود دارد که خلاصه آن چنین است:

انمرکر شاه اوروک برای مطیع ساختن ارتته و بدست آوردن مواد اولیه‌ای چون چوب و سنگ مورد نیاز در ساختن پرستشگاه اینانا و کاخ پادشاهی در شهر اوروک، لوکال باندا را به همراه ۷ نفر پهلوان به ارتته می فرستد. لوکال باندا در راه، بیمار می شود، دوستانش مقداری غذا پیش وی گذارده به راه خود ادامه می دهند، پس از بازگشت آنها به نزد لوکال باندا، وی نیز که بهبود یافته همراه آنان به اوروک باز می گردد.

نیاز دولت - شهرهای بین‌النهرین به سرزمین ارتته و تلاش آنها برای تسلط بر این ناحیه در این حکایات کهن سومریان - اگر چه با افسانه‌ها و تصورات دینی در آمیخته - یک حقیقت روشن و تردیدناپذیر تاریخی است.

بنظر «س. ن. کامر» تلاش انمرکر برای تسلط بر ارتته ۲۰۰۰ سال پیش از اشغال نائیری (همان ارتته) در ۷۱۴ ق. م توسط سارگون دوم صورت گرفته است. لیکن بنظر ما این تلاش شاهان بین‌النهرین به تقریب هزار سال پیش از تاریخی که کامر ذکر کرده، آغاز گردیده است. نیاز دولتهای سومر و اکد و دیگر دولت - شهرهای بین‌النهرین به مصالح ساخت و ساز در دوران بعدی نیز موجب تلاش فرمانروایان این دولتها برای دستیابی بر ارتته گردیده است.

به عنوان مثال گودئا (۲۲۲۰ ق. م) شهریار شهر «لاگاش» برای ساختن پرستشگاه «نین گیرسو» چنین کرده است: «آنگاه «گودئا» راهی به میان کوه سدر (سدر نام نوعی درخت است) باز کرد که هیچ بشری پیش از او چنین نکرده بود. با تبرهای شگرف درختان سدر را بیافکند و سپس تنه درختان را به یکدیگر بست و به رودخانه انداخت. چون نگاه می افکندی رودها را پر

از سدرهای کوه سدر و کاجهای کوه کاج میدیدی که چون ماری بزرگ اندام بسوی جلگه شناور بود»^(۱).

بنابراین گودنا برای تأمین مواد اولیه مورد نیاز در ساخت و ساز، به اراضی ارته لشکرکشی و پس از قطع درختان جهت انتقال آنها به «لاگاش» از رودخانه دجله استفاده نموده است. از اینجا می توان چنین استنباط نمود که لوکال باندا برای آوردن درختان سدر، از بین النهرین در امتداد دجله پیشروی کرده، سپس در امتداد زاب بزرگ که به دجله می پیوندد متوجه شرق شده به بیشه زارهای درخت سدر ارته یعنی جنگلهای انبوه سدر واقع در غرب سلماس کنونی رسیده است.

دیکسون سیاح و تاریخ نگار معاصر که این بیشه ها را دیده، مشاهدات خود را چنین تصویر کرده است:

«در سلسله جبال مرزهای ایران و ترکیه، جنگلهای همانند کمربندی سبز در میان دره های ژرف و قله های پربرف، منظره زیبایی را تشکیل می دهد و در دامنه تپه ها و مقابل صحراها، دهکده ها چون آشیانه پرستوها می مانند»^(۲).

شایان ذکر است که امروز نیز برای حمل درختان جنگلی سبیری به مراکز صنعتی از رودهای «ولگا»، «تاودا» و دیگر رودهای آن منطقه استفاده می شود. در سبیری با یخ بستن رودها در زمستان درختان جنگلی را بریده، تمیز نموده، سپس آنها را غلتانده، کنار رودها می آورند و در فصل بهار با ذوب شدن یخ رودخانه ها این درخت ها را در آب رها ساخته و در مراکز صنعتی از آب برمی گیرند. نگارنده این سطور در دورانی که به اشاره رهبران حزب توده و فرقه دموکرات آذربایجان در زندانهای سبیری دوران کمونیزم بسر میبرد، مدتها با این گونه امور مشغول بوده است.

سرزمین ارته همچنین سرشار از منابع غنی، انواع فلزات و سنگهای قیمتی و غیره بود. کریمر در این باره می نویسد: «به طوری که متن لوحه ها نشان می دهد، ثروت اقتصاد آرت، طلا، نقره، مس و انواع سنگ ها بوده و آنجا مرکز فلزکاران، صنعتگران و سنگ تراشان ماهر و معماران معبد ساز معرفی شده است و بدین خاطر بوده است که فرمانروایان اوروک که در سرزمینهای بدون سنگ و فلز زندگی می کردند و استادکاران ماهر نداشتند، همواره آرزو می کردند که بر آرت تسلط یابند»^(۳).

اورمو كيتابخانا سى

<http://urmu.biolmali.com>